

جهان امروز

دوره دوم

نشریه سیاسی حزب کمونیست ایران

<https://cpiran.net>

jahane.emrouz@cpiran.net

شماره ۳ - دوره دوم

۱۱ اردیبهشت ۱۴۰۴ - ۱ می ۲۰۲۵

اعلامیه حزب کمونیست ایران به مناسبت روز جهانی کارگر

در آستانه اول ماه مه، روز جهانی کارگر هستیم. طبقه کارگر ایران در شرایطی به استقبال این روز بزرگ جهانی می‌رود که فشارهای اقتصادی ناشی از بیکاری گسترده، تورم افسارگسیخته، دستمزدهای پایین‌تر از خط فقر مطلق و شرایط ناایمن کار، زندگی را برای کارگران و خانواده‌هایشان به شدت دشوار کرده است. در جامعه‌ای که رژیم اسلامی برای کارگران و زحمتکشان ساخته است، نه تنها با پدیده‌هایی همچون چند شغلی بودن، عدم وجود قراردادهای کار، عدم وجود ثبات شغلی، عدم وجود بیمه درمانی و بیکاری، گورخوابی و اتوبوس‌خوابی روبرو هستیم، بلکه با پدیده‌هایی همانند فروش قرنیه چشم، کلیه و نوزاد فروشی در ابعاد کلان، که تمام مرزهای انسانیت و مدنیت را پشت سر گذاشته‌اند روبرو هستیم. در مقابل چنین وضعیتی، مسئولان حکومتی و نظامی، آقازاده‌ها و سرمایه‌دارانی را می‌بینیم که به قیمت فلاکت اکثریت کارگران و زحمتکشان ثروت‌های خيالی به جیب زده‌اند و زندگی افسانه‌ای برای خود برآه انداخته‌اند.

با وجود این جهنمی که حکومت اسلامی ایران به وجود آورده است، طبقه کارگر ایران نه تنها تسلیم این شرایط غیرانسانی نشده، بلکه با تداوم مبارزات خود، نقش محوری در جنبش اعتراضی و مطالباتی برای تغییر وضع موجود ایفا می‌کند. اعتصابات و اعتراضات کارگران نیشکر هفت‌تپه، فولاد، بخش‌های مختلف صنعت نفت و پتروشیمی، راه آهن، و نیز اعتراضات بازنشستگان، دادخواهان، معلمان و پرستاران و مبارزات برجسته زنان در سال‌های اخیر، نمونه‌های برجسته‌ای از این جنبش اعتراضی هستند. این مبارزات، اگرچه همواره به نتایج ملموس اقتصادی منجر نشده‌اند، اما آگاهی طبقاتی کارگران را ارتقا داده و آنان را برای مبارزات قاطع‌تر در آینده آماده کرده و همچنین رژیم اسلامی را در مواردی به عقب‌نشینی وا داشته است.

اهمیت مبارزات کنونی طبقه کارگر ایران در این است که در بستر تحولات سیاسی و اجتماعی گسترده‌تری جریان دارد. این مبارزات در تداوم خیزش انقلابی زن، زندگی، آزادی جریان دارند و مطالبات اقتصادی کارگران با خواسته‌های سیاسی و اجتماعی اقشار معترض جامعه در هم آمیخته است. در شرایطی که جمهوری اسلامی هرگونه اعتراض و انتقادی را به عنوان تهدیدی برای موجودیت خود تلقی می‌کند، هر حرکت اعتراض کارگری عملاً به مبارزه سیاسی بر علیه رژیم تبدیل می‌شود.

اگرچه جنبش کارگری در ایران، فاقد تشکلهای توده‌ای و رهبری سراسری است، اما جنبش اعتصابی و اعتراضی کارگران، بستر مناسبی برای غلبه بر این کمبود را فراهم کرده است. در دل همین جنبش، نسلی از فعالان و رهبران کارگری ظهور کرده‌اند که نقش مهمی در سازماندهی و هدایت مبارزات کارگری ایفا می‌کنند. کارگران در جریان این مبارزات و در رویارویی با کارفرمایان و دولت، به این آگاهی می‌رسند که برای دستیابی به یک زندگی شایسته انسان، نه تنها باید از جمهوری اسلامی عبور کنند، بلکه باید مناسبات سیاسی و طبقاتی حاکم را نیز تغییر دهند.

۲ ص ←

MAY DAY



اعلامیه حزب کمونیست ایران به مناسبت روز جهانی کارگر



ایمنی و بهداشت محیط کار

بمناسبت ۲۸ آوریل (۸ اردیبهشت) روز جهانی ایمنی و بهداشت محیط کار

ص ۲

فرشید غفارنژاد



قرس از رشد و گسترش جنبش‌های پیشرو اجتماعی، اساسی‌ترین عامل آغاز مذاکرات ایران و آمریکا

ص ۳

ارزیابی مشترک



کار، مبارزه، رهایی به مناسبت اول ماه مه، روز جهانی کارگر

ص ۵

هیوا امانی



رهایی طبقه کارگر تنها توسط خود طبقه کارگر امکان‌پذیر است!

ص ۶

بهرام رحمانی



آموزش و پرورش عمومی تحت سیطره اختاپوسی رژیم جمهوری اسلامی

ص ۷

هیوا مجید زاده



جمهوری اسلامی دشمن مردم تا این رژیم هست جنایاتی از نوع آنچه که در بندر رجائی رویداد، ادامه خواهد داشت

ص ۷

بمناسبت ۲۸ اوریل (۸ اردیبهشت) روز جهانی ایمنی و بهداشت محیط کار

فرشید غفارنژاد



تاریخچه روز جهانی ایمنی و بهداشت محیط کار به سال ۱۹۸۴ درکنگره حزب کارگر کانادا برمیگردد. در این کنگره تصمیم گرفته شد که هرسال در روز۲۸ اوریل به پاس احترام به تمامی کسانی که در محیط کار و یا به دلایل شرایط کاری دچار آسیب، بیماری و یا جان خود را از دست داده اند، یک دقیقه سکوت رعایت شود.

در نتیجه گسترش و ادامه مبارزات کارگران این روز به اعتراض علیه شرایط ناامن در محیط های کار گسترش یافت. در ادامه همین روند کشورهای زیادی از جمله ایالات متحده آمریکا، کشورهای اروپایی و کشورهای از آسیا به آن پیوستند. درنهایت با مبارزات پیگیرانه کارگران در سراسر جهان به یکی ازمفاد قانونهای سازمان جهانی کار تبدیل شد.

امروزه حوادث ناشی از ناامنی شغلی یکی از مهمترین مشکلات کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه محسوب می شود. حوادث محیط کاری سالانه هزاران کارگر را در سراسر دنیا و به ویژه در کشورهای در حال توسعه به کام مرگ میبرد. هر ساله میلیونها حادثه شغلی در سراسر جهان رخ می دهد و میلیون ها نفر در اثر جراحات ناشی از حوادث دچار معلولیت گشته و یا جان خود را از دست میدهند.

روزانه جنگی مرگبار در جهان علیه کارگران که با فروش نیروی کارشان میخواهند زندگی بخور و نمیری را برای خود وخانوادشان فراهم کنند، جریان دارد. علیرغم اینکه هیچ اسلحه و بمبی در این جنگ بکار گرفته نمیشود، اما منجر به کشته و مجروح شدن بیش از۳ میلیون انسان کارگر می شود.

سالانه بالغ بر۳میلیون انسان کارگر قربانی سیاستهای استثمار گرایانه و سودجویانه سرمایه‌داران میشوند که انعکاس ان در رسانه‌ها و بنگاه های خبری سرمایه داری بسیار ناچیز است. در واقع میتوان گفت که تنها در مواردی انعکاس پیدا میکند که با اعتراض و مبارزه کارگران روبرو میشود. تحت چنین شرایطی سرمایه‌داران و دولتهای حامیشان محیط کاررا به قتلگاه کارگران تبدیل کرده‌اند.

با نگاهی کوتاه به آمار سازمان جهانی کار ابعاد این جنایت آشکار علیه کارگران و بشریت روشن تر خواهد شد .

براساس آمار سازمان بین‌المللی کار در سال ۲۰۲۳ در سراسر جهان حدود ۳۴۰ میلیون حادثه در محیط کار رخ داده و ۱۶۰ میلیون بیماری شغلی ایجاد شده است؛ همچنین ۲،۳ میلیون نفر در سال ۲۰۲۳ جان خود را از دست داده‌اند وبیش از ۳۳۷ میلیون کارگرهم در حوادث زخمی، معلول و نقص عضو شده‌اند . کارکردن با مواد شیمیایی در شرایط عدم دسترسی به ابزارالات ایمن و بهداشتی یک از پر خطرترین مشاغلی مییاشد که موجب بروز بیماریهای مزمن و مرگبار میشود.در کل میتوان گفت که این جنایاتی ست آشکار علیه طبقه کارگر جهانی که نظم و سیستم سرمایه‌داری به طبقه کارگر تحمیل کرده است . بسیاری از این کارگران در اثر مسمومیت به مواد شیمیایی در محیط کار و یا گاز گرفتگی و یا در مزارع کشاورزی جان خود را از دست میدهند و تعداد زیادی که به دلیل عدم امکانات ایمنی بهداشتی دچار مرگ زود رس میشوند . مرگ کارگران خانواده‌هایشان را هم دچار نابسامانیهای اقتصادی و اجتماعی می کند و آنان هم سرنوشتی بهتر نخواهند داشت .

با نگاهی به آمار مرگ و میر بر اثر حوادث ناشی از کاردرایران میتوان عمق فاجعه را دریافت. مسعود قادی پاشا معاون پزشکی و آزمایشگاهی سازمان پزشکی قانونی ایرن درباره آمار مرگ و میر ناشی ازحوادث کاردر سال ۱۴۰۱گفت: در مجموع ۱۹۰۰ نفر در سال ۱۴۰۱ در حوادث ناشی از کار، جان خود را از دست داده‌اند. البته با قطعیت می توان این را هم اضافه کرد که در ایران آمار مرگ و میر کارگران در محیط کار بسیار بیشتر از این آماری است که مسئولان حکومتی ارائه می کند. چه بسیار مرگ های که سرمایه داران خصوصی و دولتی برای نپرداختن بیمه به خانواده های کارگری پنهان می کنند و یا کارگران مهاجر افغانستانی که بدونه بهره مندی از هرگونه قرارداد و یا مزایایی قربانی سیاست های استثمارگرانه سرمایه داران و در عین حال نژادپرستی سیستماتیک می شوند و در هیچگونه آماری ثبت نمی شوند.



کسب سود، بلکه تأمین نیازهای انسان خواهد بود و کار از صورت اجبار به کار دلخواه از روی اختیار و درک به مسئولیت در قبال جامعه تبدیل خواهد شد. اما دستیابی به این هدف، مستلزم شرکت فعال طبقه کارگر در یک انقلاب اجتماعی است، انقلابی که در آن توده زنان و مردان کارگر متحدین خود را به حقانیت مطالبات و سیاست‌هایش قانع کرده و از این طریق نقش محوری ایفا کنند. ما می‌دانیم که رسیدن به چنین جامعه‌ای با سرنگونی انقلابی جمهوری اسلامی امکان‌پذیر خواهد بود. اما در عین حال برای جلوگیری از تباهی جسمی و روانی کارگران، لازم است در آستانه روز جهانی کارگر یکبار دیگر فوری‌ترین مطالبات طبقه کارگر مورد تأکید قرار گیرد:

- افزایش دستمزدها به میزان واقعی و متناسب با هزینه سبد معیشت خانوار،
- تأمین امنیت شغلی و لغو قراردادهای موقت کار،
- ایجاد تشکل‌های کارگری مستقل و آزادی فعالیت سندیکایی،
- رفع تبعیض و نابرابری در پرداخت‌ها و مزایا،
- بهبود شرایط کار و ایمنی محیط‌های کار،
- تأمین مسکن مناسب و ارزان قیمت برای کارگران،
- بهبود خدمات بهداشتی و درمانی و بیمه همگانی،
- آزادی اعتصاب و تشکل،
- آزادی فوری و بدون قید و شرط تمامی فعالان کارگری و زندانیان سیاسی و لغو احکام اعدام،
- برابری کامل زن و مرد و برخورداری از حقوق برابر برای کار برابر
- تامین بیمه بیکاری برای کارگران شاغل و بیکار
- احتساب کار زنان در خانه به عنوان کار و شمول قوانین کار
- پایان یافتن تبعیض جنسیتی در محل کار و لغو همه قوانینی که دسترسی به انتخاب آزادانه کار را محدود می‌کند
- ممنوعیت کار کودکان

در آستانه روز جهانی کارگر، با تجدید پیمان با آرمان‌های طبقه کارگر، عزم خود را برای مبارزه علیه فقر، تبعیض، نابرابری، فساد، آپارتاید جنسیتی، سلب آزادی‌های سیاسی، سرکوب، زندان، اعدام و مبارزه بدون وقفه برای تحقق یک جامعه سوسیالیستی که با دستان توانای طبقه کارگر ممکن خواهد بود، اعلام می‌کنیم.

حزب کمونیست ایران ضمن تبریک فرا رسیدن اول ماه مه به همه کارگران، از تلاش‌های جسورانه و خستگی‌ناپذیر سازمان‌دهندگان اعتصابات و اعتراضات کارگری در سال دشواری که پشت سر گذاشتیم، قدردانی می‌کند.

حزب کمونیست ایران
اول اردیبهشت ۱۴۰۴
۲۲ آوریل ۲۰۲۵



ما مبارزه طبقه کارگر برای رهایی از استثمار و ستم، یک مبارزه جهانی است. نظام سرمایه‌داری جهانی بر خلاف آنچه تبلیغ می‌شد نه به رفع گرسنگی و رفاه انسان‌ها منجر شد و نه امکان دسترسی همگان به آموزش و بهداشت و درمان را فراهم کرد و نه دموکراسی را تحکیم کرد. امروز به روشنی می‌بینیم بازار آزاد که سرمایه‌داری به آن می‌بالید جای خود را به قوانین دیکته شده «کدخدای جهان» آمریکا داده است. جنگ‌های بی‌پایان، نابودسازی مراتع و جنگل‌ها، مصرف نامحدود سوخت‌های فسیلی و افزایش تولید تسلیحات کشتار جمعی، جهان را در آستانه فجایع زیست‌محیطی قرار داده است. بهداشت و درمان به جای خدمت به بهبود زیست انسان به سمت تبدیل شدن به صنعتی سودآور حرکت می‌کند که اکثریت کارگران و زحمتکشان به خصوص در مناطق حاشیه‌ای جهان از آن بی‌نصیب‌اند. حقوق بشر که سرمایه‌داری در دورانی به بهانه رعایت آن جنگ‌های متعددی را بر پا کرده بود، اکنون توسط خود کشورهای غربی زیر پا گذاشته می‌شود و در جلوی چشمان همگان اسرائیل غزه را به جهنم تبدیل کرده است و هزاران زن و کودک بی‌دفاع را به خاک و خون کشیده است. حقوق پناهندگان در حال ملغی شدن و احزاب راست بورژوازی در آمریکا و اروپا و حتی در ایران با تئوری‌های نژادپرستانه بحران ذاتی سرمایه‌داری را به پناهندگان نسبت می‌دهند. زنان، اقلیت‌ها و ملت‌های تحت ستم بیشتر تحت فشار و سرکوب قرار گرفته‌اند و در نبردی روزانه برای دفاع از دستاوردهای تاکنونی هستند. رقابت قطب‌های سرمایه‌داری و جنگ تجاری که آغاز کرده‌اند، کره زمین را برای ساکنین آن بیش از پیش ناامن کرده است.

در مقابل این حجم از ستم، نابرابری و فجایی که سرمایه‌داری آفریده است، مبارزات وسیعی در حال شکل‌گیری‌ست. در آمریکا میلیون‌ها نفر در مقابل سیاست‌های الیگارشی حاکم دست به اعتراض و مقاومت می‌زنند.

در اروپا چپ‌ها و کمونیست‌ها در حال آماده کردن خود برای مبارزه و مقاومت هستند. در ترکیه مبارزات بر علیه اردوغان دیکتاتور در جریان است. در ایران خیزش انقلابی زن، زندگی، آزادی در عرصه‌های مختلف سیاسی و اجتماعی در جریان است.

در شرایطی که کارگران در سراسر جهان و در سطح کلان با مشکلات و چالش‌های مشابهی روبرو هستند، تنها با اتحاد و همبستگی بین‌المللی می‌توان تعرض ارتجاع سرمایه‌داری جهان را به حقوق، آزادی‌ها و دستاوردهای طبقه کارگر درهم شکست. ما نیز در این گوشه از جهان در روز جهانی کارگر، همبستگی خود را با کارگران و مردم محروم و زحمتکش در سراسر جهان اعلام می‌کنیم و بر ضرورت اتحاد و همبستگی بین‌المللی کارگران پای می‌فشاریم.

ما خواستار پایان دادن به میلیتاریسم، جنگ‌طلبی، سیاست‌های تجاوزکارانه، کشتار جمعی مردم بی‌دفاع غزه توسط دولت جنایتکار اسرائیل و پایان دادن به تجاوز روسیه به اوکراین و توقف جنگ اوکراین هستیم که بیش از یک میلیون انسان را نابود کرده و کشوری را به آتش و خون کشیده است.

هدف نهایی مبارزه طبقه کارگر، ایجاد یک جامعه سوسیالیستی است که در آن همه انسان‌ها آزاد و برابر و در رفاه باشند، کار مزدی ملغی شود و استثمار انسان به دست انسان ریشه‌کن گردد. در چنین جامعه‌ای، هدف تولید نه

→ توجه داشته باشیم که آغاز مذاکرات جمهوری اسلامی و آمریکا در شرایطی که هنوز جنگ اوکراین و روسیه ادامه دارد و روابط آمریکا و روسیه نیز هنوز در آغاز طی مسیر عادی سازی است و نتیجه نهائی آن هنوز در پرده ابهام قرار دارد. همین واقعیت امکان تاثیرگذاری روسیه بر روند مذاکرات ایران وآمریکا را کاهش داده است. کشورهای اروپایی نیز با حساسیت بالا مذاکرات تهران - واشنگتن را دنبال می کنند و نگران آن هستند که در این میان منافع آنها مورد توجه قرار نگیرد.

دوم - کاهش نقش محوری رهبر رژیم و احتمال شورش نیروهای درونی نظام اسلامی

پذیرش مذاکره با آمریکا زیر فشار خطر فروپاشی از درون و تهدیدات سنگین آمریکا از بیرون بر متن شکست های پی در پی رژیم در منطقه و عقب نشینی های رژیم در مقابل مطالبات جنبش های پیشرو اجتماعی و از آن جمله زنان همچون تعلیق قانون "حجاب و عفاف" یا تحمل از سر اجبار جشن های نوروزی مردم، بحران در درون حاکمیت را به شکل بیسابقه ای افزایش داده است. در هم شکسته شدن یک به یک خط قرمزهای رهبر رژیم ، اعتبار او را در میان نیروهای درون حکومتی نیز به چالش کشیده است. رهبر رژیم زمانی در جمع فرماندهان سپاه در استان های سراسر کشور، در برابر درخواست تغییر از سوی بخشی از آنها چهار خط قرمز را تعیین کرده بود. حفظ حجاب، عدم مصالحه با آمریکا، تداوم حصر رهبران جنبش سبز و تداوم کار شورای نگهبان. حالا مسئله حجاب توسط زنان آگاه و جنبش های عظیم اجتماعی همچون خیزش ژینا در هم شکسته شده، مذاکراه با آمریکا آغاز شده، پروسه رفع حصر یکی از زندانیان انجام گرفته و گفته می شود روند رفع حصر میرحسین موسوی و زهرا رهنورد هم در جریان است.

به دیگر سخن خط قرمزهای خامنه ای یک به یک به زیر سؤال می رود و رهبر و سرسپردگانش مجبورند مدام نیروهای پایه رژیم را نسبت به این تحولات توجیه کرده و مانع گسترش روند ریزش در میان هواداران شان شوند. هم زمان با این روند، سیاست خامنه ای برای عملی شدن "گام دوم انقلاب اسلامی" با همت "جوانان انقلابی حزب الهی" نیز بر باد رفته است. فروپاشی اعتبار رهبر را در نمونه های روشنی می توان دید؛

۱- در جریان طرح مسائل سیاسی و روشن شدن ناکارآمدی های سیاست های رهبر رژیم در چند دهه گذشته، برای اولین بار شاهد افشاگری ها، بیان خاطرات سیاسی، طرح اتهامات روشن در شکست سیاست ها و مطرح گشتن ارزیابی های متفاوتی از سوی شخصیت های درون نظام هستیم.
مناظره ها، گفتگوهای چند هفته اخیر از سوی حسن روحانی، محمد جواد ظریف، علی طیب نیا، علی اکبر صالحی، محمود واعظی، مرتضی الویری،علی شکوری راد، محمد مخبر و محمود احمدی نژاد تماما حاوی اطلاعات بسیار روشنی از کارشکنی های است که رهبر رژیم یا نزدیکان او در سیاست گذاری های گذشته داشته اند که وضعیت کنونی کشور از نتایج آن سیاست هاست. این حجم از افشاگری ها و بیان خاطرات سیاسی، در رژیم به شدت بسته و امنیتی اسلامی بسیار بیسابقه است.

۲- به بازی گرفته شدن اپوزیسیون درونی حکومت پس از انتخاب مسعود پزشکیان، کم رنگ شدن نقش نیروهای امت گرای حکومتی و اکنون آغاز مذاکره با آمریکا، جناح فوق ارتجاعی درون رژیم، را به خشم آورده است. اما باید توجه داشته باشیم با توجه به نفوذ و قدرت این نیروها در "صدا و سیما"، در نهادهایی همچون سازمان تبلیغات اسلامی و نهادهای اقتصادی همچون "بنیاد مستضعفان"، "ستاد اجرائی فرمان امان" و بسیاری از شرکت های خصولتی، مقابله با این نیروها هزینه سنگینی برای حاکمیت در برخواهد داشت. باید در انتظار تنش های جدی در میان جناح های حکومتی در هفته ها و ماه های آینده و گسترش شکاف در میان حکومتگران باشیم. به دیگر سخن شکاف در میان حکومتگران روز به روز گسترده تر می شود.

۳- رشد و گسترش نقش نیروهای سیاسی اپوزیسیون درون حکومت، تلاش آنها برای پیدا کردن جای پای های محکم تر در نهادها و ارگان های تصمیم گیری قدرت ، چه از طریق ساختار دولت مسعود پزشکیان و چه از طریق ساختار های دستگاه رهبری و چه از طریق یارگیری های جریانات مختلف درون حکومتی، ارتباط آشکاری با مسئله جانشینی نیز دارد. واقعیت این است که سن و سال خامنه ای و مریضی هایش از یک طرف و سرعت تحولات سیاسی کشور از طرف دیگر مسئله جانشینی را به عنوان موضوعی جدی در میان جناح های حکومتی مطرح کرده است. این مسئله با توجه به وزن و نقش و جایگاه ولایت فقیه در ساختار قدرت جمهوری اسلامی از اهمیت بالائی برخوردار است. روشن است که دستگاه رهبری کنونی تلاش خواهد کرد تا جانشین مورد نظر خود را پس از فقdannرهبر فعلی بر کرسی ولایت بنشانند. این که تحولات در موقع مرگ او به چه سمت وسوئی حرکت کند، امری نیست که بتوان در مورد آن گمانه زنی کرد. روشن است که جناح ها و باندهای حکومتی بر سر قانون اساسی کنونی و نقش و جایگاه ولی فقیه، اختلاف جدی و اساسی ندارند. آنها تلاش می کنند با سروسامان

دادن به موقع مسئله جانشینی مانع سقوط جمهوری اسلامی شوند. واقعیت این است که وضعیت جنبش های مترقی اجتماعی و میزان فشار از پائین اصلی ترین پارامتری است که در این مقاطع می تواند معادلات قدرت جناح های حکومتی را به هم بزند و رشته هایشان را پنبه کند.

سوم - نقش جنبش های مترقی اجتماعی و نیروهای اپوزیسیون در تحولات کنونی

پذیرش سیاست تغییر ریل در سیاست خارجی و تحولات پس از مرگ ابراهیم رئیسی، اساساً پاسخ حاکمیت به افزایش نگران کننده فشار مردمی از پائین بود. تداوم بی وقفه خیزش انقلابی مردم هم در عرصه آزادی های مدنی و اجتماعی و مطالبات طبقاتی، تحریم های گسترده انتخابات مجلس و حتی ریاست جمهوری، حاکمیت را با این واقعیت روبرو ساخت که خطر اصلی برای موجودیت نظام اسلامی، بروز و فوران نارضائی و خشم مردم است. آنها که از نتایج و تاثیرات خیزش انقلابی مردم ارزیابی روتوش نشده ای دارند، برای نجات حاکمیت خود دست به کار شده اند. این که عده ای لشکرکشی ترامپ و تهدید به بمباران را عامل اصلی عقب نشینی رژیم و نشستن پای میز مذاکره قلمداد می کنند، از نقش و جایگاه جنبش مردمی یا بی اطلاع هستند یا از توان و قدرت لایزال مردم وحشت کرده اند. حاکمیت برای کاهش فشار مردمی و جلوگیری از خطر انفجارات توده ای، با انتصاب مسعود پزشکیان، با اتخاذ سیاست های جدیدی در قبال حجاب زنان و غیره دست به کار شده است. پذیرش مذاکره با آمریکا به امید کاهش یا لغو تحریم ها نیز راهی برای کاهش بحران فروپاشی اقتصادی و ورشکستگی ها در تمامی عرصه ها و از این طریق مقابله با جنبش قدرتمند مطالباتی است که حتی یک روز نیز آرام نگرفته است .

علیرغم این ارزیابی باید در مورد نقش و جایگاه اپوزیسیون به چند نکته اشاره کرد:

۱- جنبش انقلابی «زن، زندگی، آزادی» علیرغم نقش پررنگش در تغییر چهره کشور، هنوز نتوانسته آلترناتیو مورد نظر خود را رونمایی کند. علت این امر آن است که جنبش کنونی مردم ایران، علیرغم رشد سازمانیابی در میان کارگران ، معلمان، پرستاران و باننشستگان و یا رشد تشکل ها در میان زنان، دانشجویان، مدافعان محیط زیست و نهادهای مردم نهاد در سطح ملیت های کشور، هنوز نتوانسته یک ستاد عمومی رهبری مبارزاتی با مشارکت رهبری درون این جنبش ها را سازمان دهد. روشن است میزان و ابعاد سرکوب فاشیستی رژیم، تلاش حاکمیت برای بی سر کردن جنبش، زندان، شکنجه، صدور احکام اعدام و اجرای اعدام های گسترده درسراسر کشور، حربه رژیم برای جلوگیری از سازمانیابی سیاسی خیزش انقلابی مردمآزادیخواه ستمدیده و محروم است. تلاش رژیم نیز بر این استوار است که با تجدید سازمان خود و تغییر ریل سیاسی در عرصه های گوناگون، از این فرصت استفاده کرده و اجازه ندهد رشد و گسترش جنبش به مسیر غیرقابل بازگشت برسد. در این راستا باید به این نکته نیز تاکید کرد که تنها جریانی که می تواند بیانگر خواست های آزادی ، دموکراسی، برابری و همبستگی انسانی خیزش انقلابی «زن، زندگی، آزادی» باشد نیروهای چپ جامعه هستند. واقعیت این که تنها جریانی که به طور روشن و شفاف از خواست های آزادیخواهانه و عدالت طلبانه مطالباتی جنبش های پیشرو و مترقی مردمی دفاع می کند چپ طرفدار سوسیالیسم است. تنها این گرایش چپ است که از خواست هایی همچون آزادی های بی قید و شرط سیاسی، برابر حقوقی و حق شهروندی برابر بدون توجه به جنسیت، گرایش جنسی، ملیت، زبان، فرهنگ، مذهب و باورهای شخصی، حق تعیین سرنوشت ملیت های ایران و تاکید بر اتحاد داوطلبانه آنها، تامین اجتماعی فراگیر و همگانی، آموزش و بهداشت رایگان، مسکن قابل زیست و قابل پرداخت، تجدید سازمان اقتصاد کشور بر مدار نیازهای اساسی کارگران و مردم زحمتکش ، پذیرش دموکراسی و حق مردم در تعیین نظام حکومتی جایگزین و تدوین قانون اساسی جدید را ، قاطعانه و بدون لکنت زبان حمایت می کند. به این نکته باید توجه ویژه ای داشته باشیم که اپوزیسیون راست، سلطنت طلب و سازمان مجاهدین با خواست های فوق اساساً مخالفند. آن ها برای آزادی های سیاسی، قید و شرط ها و اما و اگرهای روشنی دارند، با حق تعیین سرنوشت ملت ها در ایران و از بین بردن تبعیض بر اساس ملیت با انگ "تجزیه طلبی" و دفاع از "تمامیت ارضی" مخالفند و تجدید ساختار اقصاد کشور و تامین اجتماعی فراگیر را مانع "توسعه اقتصادی" و به ضرر "کسب و کار" کارفرمایان می دانند. بی جهت نیست که سلطنت طلبان و مجاهدین با شعار «زن، زندگی، آزادی» بشدت مخالفندو برای آن معادل هایی نیز تعیین کرده اند. بر این پایه، اکنون فرصت تاریخی و بی نظیری برای تجدید آرایش چپ بر متن چرخش به چپ اعماق جامعه و طرح شعارهای دقیق و خواست های طبقاتی روشن بوجود آمده است. اگر این فرصت تاریخی به درستی از سوی نیروهای چپ مورد توجه قرار گیرد چپ می تواند به نقش رهبری کننده خود در سازماندهی جنبش های رادیکال اجتماعی از جمله زنان، کارگران، ملت های تحت ستم، باننشستگان، پرستاران، بیکاران، دادخواهان،

معلمان، محیط زیست، دانشجویان و روشنفکران بیش از پیش امیدوار باشد.

۲- اپوزیسیون راست بویژه سلطنت طلبان که پس از عقب نشینی از "منشور مهسا" به سوی پادویی تمام عیار اسرائیل و جنگ طلبان آمریکایی کشیده شده اند، بشدت زیر فشار قرار گرفته اند. اپوزیسیون راست به دلیل بی اعتقادی شان به قدرت مردم و پشت کردن به شعارهای جنبش مردمی، استراتژی تکیه بر قدرت های خارجی را در پیش گرفته است. آنها همواره به این تصور واهی دل بسته بودند که با تهاجم نیروهای سلطه جو به ایران و یا بمباران زیرساخت های انرژی هسته ای، پالایشگاه ها و مراکز اقتصادی کشور و تشدید تحریم های کمرشکن که فشار اصلی اش را مردم تحمل می کنند، امکان سرنگونی رژیم اسلامی فراهم می شود. امید آنها این است که پس از فروپاشی رژیم ، آنها به عنوان پیاده نظام قدرت های خارجی، سکان قدرترا در کشور به دست گیرند. بر این پایه آنها در جریان انتخابات آمریکا با ذوق و شوق فراوان از پیروزی دونالد ترامپ استقبال می کردند. حتی تمرکز نیروهای جنگی آمریکا در جزایر دیگوکارسپا نیز برق امیدی در دل شان انداخته بود. اما اکنون با آغاز مذاکرات نماینده ترامپ با نماینده جمهوری اسلامی بی توجه به روند و نحو پیشرفت آن، این جریانات در سردرگمی،یاس و ناامیدی به سر می برند. موضع گیری های جریانات سلطنت طلب و مجاهدین در شبکه های اجتماعی شان، به وضوع این سرخوردگی و استیصال را به نمایش می گذارد. آنها از سیاست های پدرخوانده شان بشدت ناراضی و خشمگین شده اند.

۳- نگاهی به تحولات سیاسی در ایران نشان می دهد ک رهبران رژیم خود را برای توافق با آمریکا و حتی برقراری روابط دیپلماتیک با "شیطان بزرگ" آماده کرده اند. حذف شعار "مرگ بر آمریکا" یا پاک کردن پرچم آمریکا از مکان های عمومی و توجیه نیروهای ارزشی مزدبگیر و خبر آماده سازی سفارتخانه های دو کشور، نشان می دهد که مذاکرات کنونی تنها بر سر مسئله هسته ای نیست. گسترش روابط اقتصادی و حرکت به سوی عادی سازی روابط خارجی در دستور رژیم قرار گرفته است.

تردیدی نیست که تنها با برداشته شدن تحریم ها، ابربحران های تو درتوی حاکمیت اسلامی درعرصه های اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، زیست محیطی و ساختاری برطرف نخواهد شد. امروزه مردم ایران با تجربه عبوراز کلیت رژیم جمهوری اسلامی و همه جناح های آن، به خوبی دریافته اند که وضعیت فلاکت بار اکثریت عظیم مردم ایران ناشی از ذات و بنیاد نظامی است که تا مغز استخوان ارتجاعی و پوسیده است. نظامی که مبین دامن زدن مستمر به نابرابری های عمیق طبقاتی، فساد نظام مند و غیرقابل علاج، غارت دائمی منابع کشور، تحمیل قهرآمیز آپارتایدهای چند لایه، استبداد و قتلعام های سیاسی، ثبت رکورد جهانی اعدام ... است و بنابراین تنها با رفع تحریم ها و سیه روزی مردم برطرف نخواهد شد.

اما نوشیدن دوباره جام زهرتوسط خامنه ای آن هم در سازش با دولت ترامپ که ناشی از فشارجنبش توده ای است رژیم را در برابر جنبش توده ای شکننده تر کرده و متقابلاً جنبش مردمی را در پیکار با حکومت دستخوش بحران و شکست های پی درپی، جسورتر می سازد. علاوه برآن، از سوئی حربه قطب سازی من درآوردی برای حواله دادن همه شکست ها به آمریکا را از دست رژیم خارج ساخته و ازسوی دیگر مترسک چسپاندن هر حرکت و اعتراض به توطئه خارجی را نیز خنثی ساخته و بدین ترتیب در بستر بحران عمومی سیاسی کنونی، فضا را هر چه بیشتر برای پیگیری مطالبات اجتماعی و سازماندهی های گسترده تر جنبش کارگری و مردمی آماده میکند.

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی

زنده باد انقلاب مردم ایران

زنده باد آزادی؛ دموکراسی و سوسیالیسم

کمیته مرکزی حزب کمونیست ایران

هیئت اجرائی سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر)

یکشنبه۳۱ فروردین ۱۴۰۴ برابر با ۲۰ آوریل ۲۰۲۵

ارزیابی مشترک شماره ۴۳

کار، مبارزه، رهایی به مناسبت اول ماه مه، روز جهانی کارگر

از چنگال سودطلبی سرمایه‌داران و انحصارات رها سازد و جنگ‌های بی‌پایان دولت‌های سرمایه‌داری و قتل‌عام زنان، کودکان و سالمندان را متوقف کند، بلکه موانع ملی‌گرایانه، تبعیض‌های نژادی و جداسازی‌های ساختگی را نیز درهم بشکند و چشم‌انداز رهایی را در مقیاسی جهانی ممکن سازد.

طبقه کارگر میتواند از فناوری برای دستیابی به اهداف و خودسازماندهی طبقاتی استفاده کند. فناوری‌های نوین، اگر از انحصار شرکت‌های بزرگ خارج شوند، می‌توانند به ابزار سازمان‌دهی مردمی بدل شوند. ابزارهایی مانند بلاک‌چین برای شفاف‌سازی منابع، پلتفرم‌های مستقل برای همیاری کارگری، و برنامه‌ریزی داده‌محور برای تخصیص بهینه منابع، نشان‌دهنده توان بالقوه تکنولوژی در خدمت سوسیالیسم هستند.

افق سوسیالیسم یعنی جهانی بدون استثمار، بدون مالکیت خصوصی بر ابزار تولید، بدون سلب اختیار از نیروی کار. این هدف بزرگ، نیازمند بازاندیشی در رابطه میان آزادی و برابری، میان اقتصاد و دموکراسی، و میان فرد و جمع است.

در جهانی پر از بحران و بی‌عدالتی، روز جهانی کارگر یادآور آن است که امید به رهایی، در دل مبارزه زاده می‌شود. طبقه کارگر، اگر متحد، آگاه و خلاق باشد، می‌تواند جهانی دیگر را ممکن سازد؛ جهانی بر پایه آزادی، برابری و کرامت انسانی. در جهانی که نابرابری به وضعیت عادی بدل شده و نظام سرمایه‌داری حیات زمین را تهدید می‌کند، تنها یک نیروی اجتماعی توان دگرگون‌سازی دارد: طبقه کارگر جهانی. اما این طبقه برای ایفای این نقش تاریخی، باید از تفرقه بگذرد، حافظهٔ تاریخی خود را بازیابد، و چشم‌انداز مشترکی بسازد. افق سوسیالیسم، همچنان روشن است؛ اما مسیر آن، از دل مبارزهٔ آگاهانه و سازمان‌یافتهٔ طبقاتی می‌گذرد. اول ماه مه، نه فقط یادآور گذشته، بلکه ندای آینده‌ای ممکن است؛ آینده‌ای که در آن انسان نه ابزار سودآوری، بلکه خالق زندگی، زیبایی و معناست.



جهان مالک ۴۷.۵ درصد از کل ثروت جهانی هستند، در حالی که ۵۰ درصد پایینی تنها ۲.۵ درصد از ثروت را در اختیار دارند. گزارش‌های مختلف، از جمله گزارش کمیته آکسفورد برای امدادرسانی به قحطی‌زده‌گان (Oxfam) در ژانویه ۲۰۲۵، نشان می‌دهد که ثروت میلیاردرهای جهان در سال ۲۰۲۴ به طور قابل توجهی افزایش یافته است. Oxfam گزارش داد که ثروت میلیاردرها در سال ۲۰۲۴ به میزان ۲ تریلیون دلار افزایش یافته است که سه برابر سریع‌تر از سال قبل بوده است.

با وجود افزایش کلی ثروت جهانی در سال ۲۰۲۳ (همانطور که در گزارش‌های اولیه UBS برای سال ۲۰۲۴ اشاره شده است)، انتظار می‌رود که نابرابری ثروت همچنان در سطوح بالایی باقی بماند. گزارش‌های مربوط به سال ۲۰۲۴ از منابع دیگر نیز بر این موضوع تأکید دارند. برای مثال، گزارش‌های مربوط به ایالات متحده در سال ۲۰۲۴ نشان می‌دهد که سهم ثروت در دست ۱٪ ثروتمندترین افراد همچنان بسیار بالا است. این تمرکز شدید ثروت به معنای آن است که بخش عمده‌ای از جمعیت جهان با سهم ناچیزی از منابع مالی زندگی می‌کنند. علاوه بر این، بیش از نیمی از نیروی کار جهانی، حدود ۲ میلیارد نفر، در اشتغال غیررسمی فعالیت دارند که آن‌ها را از حقوق و مزایای شغلی محروم می‌کند. این آمارها نشان‌دهنده نابرابری عمیق در توزیع ثروت و فرصت‌های اقتصادی در جهان است که تأثیر مستقیمی بر کیفیت زندگی و امنیت شغلی اکثریت مردم دارد.

مبارزات کارگری امروز

کارگران در سراسر جهان به اشکال گوناگون مقاومت و مبارزه را ادامه داده‌اند. در فرانسه، میلیون‌ها نفر در اعتراض به افزایش سن بازنشستگی به خیابان آمدند. در ایران، معلمان، کارگران نفت و بازنشستگان با خواست‌های صنفی و سیاسی دست به اعتصاب زدند. در آفریقای جنوبی، اتحادیه‌ها علیه سیاست‌های ریاضتی مبارزه می‌کنند. در بنگلادش، کارگران پوشاک برای افزایش دستمزد و ایمنی شغلی دست به اعتراض زده‌اند.

اشکال جدیدی از مبارزه نیز پدید آمده‌اند. شبکه‌های اجتماعی، امکان همبستگی فراملیتی را فراهم کرده‌اند. کارگران می‌توانند در لحظه با یکدیگر ارتباط بگیرند، شرایط کاری خود را افشا کنند، و حمایت عمومی جلب کنند. جنبش‌هایی نظیر «افشاگری برندها» یا کمپین‌های حقوق دیجیتال کارگران نشان می‌دهد که طبقه کارگر در عصر دیجیتال نیز قادر به سازمان‌دهی است.

همچنین بازگشت به اشکال تعاونی، شوراهای کارگری، و مالکیت جمعی بر ابزار تولید، نشانه‌هایی از تلاش برای یافتن راه‌هایی بدیل و دموکراتیک برای تولید اجتماعی است.

همبستگی طبقاتی و افق سوسیالیسم

سوسیالیسم نه‌فقط به‌عنوان یک نظام اقتصادی، بلکه به‌مثابه چشم‌اندازی برای رهایی انسانی، بار دیگر برای توده‌های زیر ستم موضوعیت یافته است؛ نظامی نو که نعمات، دستاوردها، مسکن، بهداشت و آموزش نه‌فقط در انحصار یک طبقه مشخص، بلکه متعلق به همه انسان‌های آن جامعه است. نظامی که امکان بهره‌مندی از یک زندگی مناسب را با سرمایه و پول اندازه‌گیری نمی‌کند و در آن، انسان بر سود ارجحیت می‌یابد؛ نظامی که در آن، کسی را نخواهی یافت که برای تأمین معیشتش، کلیه‌هایش را بفروشد.

برای تحقق این چشم‌انداز، بازسازی همبستگی طبقاتی امری ضروری است. سرمایه‌داری جهانی‌شده، نیازمند پاسخی جهانی است. سرمایه‌داری، چه در بُعد جهانی و چه منطقه‌ای، با بهره‌گیری از مذهب، ناسیونالیسم، نژادپرستی و مردسالاری، توانسته در میان طبقه فرودست شکاف‌هایی عظیم ایجاد کند و مانع از همبستگی آنان شود. پیروزی سوسیالیسم در گرو همبستگی و مبارزه‌ی فعال طبقه کارگر در کشور خود و دیگر کشورهاست. چنین همبستگی‌ای می‌تواند به نقطه‌ی عزیمت زنجیره‌ای از رهایی‌ها در سراسر جهان بدل شود. سوسیالیسم می‌تواند به سنگر پیشروی مبارزه علیه امپریالیسم و نابرابری جهانی تبدیل شود. در این مسیر، همبستگی کارگران جهان نه‌تنها می‌تواند محیط‌زیست را



هیوا امانی

روز جهانی کارگر، اول ماه مه، نه صرفاً یادبود یک رویداد تاریخی، بلکه لحظه‌ای برای بازاندیشی در جایگاه انسان کارگر در جهان امروز است. در جهانی که بحران‌های سرمایه‌داری به اشکال گوناگون نمایان شده‌اند—از رکود اقتصادی تا نابودی زیست‌محیطی، از ناامنی شغلی تا فروپاشی معنای زندگی—طبقه کارگر بار سنگین این بحران‌ها را به دوش می‌کشد. این نوشتار، نگاهی است به تاریخ، وضعیت کنونی و آینده ممکن برای طبقه کارگر جهانی در پرتو مبارزه طبقاتی، همبستگی و افق سوسیالیسم.

تاریخچهٔ روز جهانی کارگر

اول ماه مه، ریشه در جنبش کارگری آمریکا دارد. در سال ۱۸۸۶، هزاران کارگر در شیکاگو و دیگر شهرها به خیابان‌ها آمدند تا خواستار کاهش ساعات کار به ۸ ساعت در روز شوند. اعتراضات از طرف دستگاه سرکوب به خشونت کشیده شد و در پی حادثه میدان هیومارکت، چندین کارگر کشته شدند. این سرکوب خونین، نقطه عطفی شد که جنبش جهانی کارگری آن را به‌عنوان روز همبستگی و مبارزه جهانی پذیرفت. از آن پس، اول ماه مه به‌عنوان روز جهانی کارگر در کشورهای گوناگون گرامی داشته می‌شود؛ اگرچه در برخی نقاط با سانسور، مصادره یا تحریف همراه بوده است. این روز نه‌تنها یادآور یک خواست ساده (۸ ساعت کار در روز)، بلکه نشانگر روح پایداری، برابری‌خواهی و اتحاد در برابر نظم سرمایه‌داری است. در قرن بیستم، با قدرت‌گیری جنبش‌های سوسیالیستی و کارگری، اول ماه مه به نماد جهانی عدالت طبقاتی بدل شد، اما در سال‌های اخیر، نظام سرمایه‌داری کوشیده این روز را به یک مناسبت خنثی تقلیل دهد.

وضعیت معاصر طبقه کارگر در جهان

امروزه شکاف طبقاتی در ابعاد بی‌سابقه‌ای گسترش یافته است. گزارش‌های اخیر سازمان بین‌المللی کار (ILO) نشان می‌دهد که بیش از ۶۰٪ از جمعیت شاغل جهان در وضعیت اشتغال غیررسمی قرار دارند، یعنی فاقد قرارداد، بیمه و امنیت شغلی. «اقتصاد گیگ» و کار پلتفرمی، چهره‌ای نو از استثمار با چهره‌ای مدرن را عرضه کرده‌اند.

کارگران بسیاری در معرض بهره‌کشی شدید هستند. کار کودکان در معادن آفریقا، کارگران مهاجر در پروژه‌های ساختمانی خلیج فارس، زنان کارگر در صنایع پوشاک بنگلادش، و رانندگان پلتفرم‌ها در غرب—همه تصویر واحدی از یک نظم ناعادلانه جهانی ارائه می‌دهند.

در بسیاری از کشورهای جنوب جهانی، افزایش خصوصی‌سازی، کاهش هزینه‌های عمومی، و نابودی زیرساخت‌های اجتماعی، زندگی کارگران را بیش از پیش آسیب‌پذیر کرده است. بحران اقلیمی و جنگ‌های بی‌پایان دولت‌های سرمایه‌داری نیز با بی‌ثبات‌کردن زیست‌گاه‌های انسانی، موجب کوچ‌های اجباری شده که نیروی کار ارزان و بی‌حق بیشتری را به بازار جهانی تحویل می‌دهد.

در سال‌های اخیر، نابرابری ثروت در جهان به سطوح بی‌سابقه‌ای رسیده است. بر اساس گزارش یونیون بانک سوئیس (UBS) در سال ۲۰۲۳، یک درصد ثروتمندترین افراد

رهایی طبقه کارگر تنها توسط خود طبقه کارگر امکان‌پذیر است!

دستگیری و اخراج بخش زیادی از کارگران این سنت مبارزاتی به‌طور کامل محو شد. این موضوع زمانی تقویت شد که با انقلاب سفید و گسترش گسترده کارگران روستایی به شهر و جایگزینی کارگران جدید با کارگران قدیمی، با نسل جدیدی از کارگران مواجه بودیم که خاطره‌ای از دوران مبارزان کارگری به یاد نداشتند. پکارگران ایران در پیروزی انقلاب ۱۳۵۷ نقش مهم و برجسته‌ای را ایفا کردند به‌ویژه کارگران صنایع نفت. اما پس از انقلاب این طبقه نتوانست آلترانیو خود را به‌و‌طر جدی و پیگیر و همه‌جانبه در مقابل جامعه قرار دهد و اجازه ندهد حکومت اسلامی سرمایه‌داری همان راه حکومت پهلوی، یعنی سرکوب و استثمار طبقه کارگر و سایر جنبش‌های اجتماعی را رقم بزند.

اعتصابات و اعتراضات کارگران و کارکنان ۱۴۰۳ ایران، شامل اعتراضات کارگران و کارمندان دائمی، موقت، پیمانی، پروژه‌ای مربوط به بخش خصوصی یا دولتی شاغل در شرکت‌ها، موسسات، ادارات، کارخانه‌ها، کارگاه‌ها یا کارگران آزاد ساختمانی و تاسیساتی یا کارگران بیکار در ایران است. این معترضان در اعتراض به گرانی، تورم بالا، حقوق و دستمزدهای پایین، معوقات مزدی، کوچک شدن سبد معیشتی و زندگی در زیر خط فقر، برای رسیدگی به مشکلات قانونی و نارسایی‌های شغلی، وضعیت معیشتی، رفع تبعیض و مقابله با تورم و ستم موجود نسبت به آن‌ها دست به اعتراضات مسالمت‌آمیز می‌زنند.

عوامل گفته شده و هم‌چنین عوامل دیگر باعث می‌شدند کارگران در ایران هیچ‌گاه به‌طور مستقل وارد فاز انقلاب نشوند. اما در مورد نقش کارگران در انقلاب ۵۷ ایران به خصوص کارگران صنایع نفت و پتروشیمی، به هیچ عنوان نقش کارگران در پیروزی انقلاب را انکار کرد.

حرکت‌های کارگری در ایران تنها زمانی امکان موفقیت پیدا خواهد کرد که مبارزه خود هدفمند و سراسری کند و گام‌های جدی در جهت متحد کرده جنبش‌های دیگر بردارد و به‌نوعی وارد یک ائتلاف طبقاتی جامعه شده باشد. احزاب آزادی‌خواه، چپ و کمونیست موظفند از اتحاد و همبستگی و مبارزه این طبقه حمایت کند و هرگز وادر بده‌ویستان‌های فرقه‌ای نشوند. باید بپذیریم که هیچ حرکت بدون شکل‌گیری تشکل‌های مستقل کارگری و اتحاد و همبستگی سراسری آن‌ها و ائتلاف با جنبش‌های اجتماعی دیگر، امکان موفقیت ندارد.

اگر مارکس و انگلس و دیگران تلاش داشتند تا کارگران را از حوزه مبارزات اقتصادی به حوزه مبارزه سیاسی هدایت کنند، هدف آن‌ها جز رهایی طبقه کارگر به دست خویش معنی دیگری نداشت. بنابراین ضرورت هم‌چنان‌که در طول تاریخ بارها گفته شد، گسترش سازمان‌دهی اعتراضات گسترده کارگران بدون توجه به فضای سیاسی است که امکان رهایی طبقه کارگر میسر گردد .

مارکس طبقه کارگر را به‌مثابه کلیدی برای چالش کشیدن حکومت استثمارگران و نیز استقرار جامعه‌ای تشخیص داد که در آن ثروتی که گروهی تولید می‌شود، باید گروهی استفاده شود.

طبقه کارگر تنها نیروی اجتماعی است که از قدرت به چالش کشیدن حاکمیت طبقه سرمایه دار برخوردار است. هیچ طبقه، گروه یا جمعیت دیگری وزن، انسجام یا سازمان‌دهی لازم را دارا نیست که بتواند با قدرت سرمایه‌داران و دستگاه ایدئولوژیکی و فیزیکی‌شان مبارزه کند.

همان که مارکس گفته، رهایی طبقه کارگر تنها توسط خود طبقه کارگر امکان‌پذیر است، اما به‌شرطی‌که این طبقه توانایی رهایی‌اش را فراهم کرده باشد. باید به فعالیت گسترده‌تر دست زده و در این شرایط سخت زندگی کارگران، آن‌ها را به ایجاد تشکل مستقل و مبارزه هدفمند فراخواند.

مشارکت در تولید یا مبادلات - کسب درآمد در بازار- لازم هستند. در حالی که سرمایه داران از تمامی موارد بالا برخوردارند و حاکمیت هم پشتیبان آن‌هاست.

هر چه کارگران خاموش باشند؛ هر چه دستمزد کم‌تر و هر چه ساعات کار برای آن دستمزد بیش‌تر باشد، سرمایه‌داران کارگران را بیش‌تر استثمار می‌کنند، یعنی سرمایه‌داران با بها و ضرر کارگران پول بیش‌تری کسب می‌کنند.

آحاد کارگران که عملاً تمام کارها را انجام داده و تمام ثروت را خلق می‌کنند، اما مالک هیچ چیزی نیستند. در واقع طبقه اقلیتی که کاری بسیار اندک انجام داده و هیچ ثروتی را تولید نمی‌کند، اما مالک تقریباً همه چیز است.

رقابت سرمایه‌داران در بازار و نیاز بی‌حد و حصرشان برای کسب سود بیش‌تر، آن‌ها را وا می‌دارد صنایع و شرکت‌هایشان را با تشدید استثمار و تراکم تعداد بیش‌تری از مزدبگیران به‌طور روز افزون توسعه دهند؛ نیرویی که برای دفاع و بسط حقوق و شرایط کارشان نیز وادار به اتحاد و سازمان‌دهی با یکدیگر می‌شوند. این نگرش هم سرمایه‌دار و هم کارگر برای ایجاد تغییر جهت نرخ استثمار، تنش مداومی در جوامع سرمایه‌داری به وجود می‌آورد و به نزاع طبقاتی دامن می‌زند. اما نزاع طبقاتی با تمام پستی‌ها، بلندها، و پیچ و خم‌هایش در طول زمان، در آخرین تجزیه و تحلیل خود بر هر تغییر اجتماعی و تاریخی تاثیر قطعی می‌گذارد.

در واقع «مانیفست کمونیست» با این بشارت آغاز می‌شود که «تاریخ تمام جوامع تاکنون موجود، تاریخ نزاع طبقاتی بوده است.» انگلس بعدها توضیح داد که منظور، تمام «تاریخ نوشتاری» می‌باشد، زیرا، برای این حجم عظیم، موجودیت جوامع بشری به اقتضا بر مشارکت و برابری استوار شد. شرایط بدوی و خصلت برابری‌مانع انباشت ثروت، مالکیت خصوصی و رشد هر سلسه مراتبی مهم در میان گروه‌های اجتماعی بود.

از همان آغاز شکل‌گیری اولین هسته‌های مبارزات کارگری در باکو و انجمن «همت» و هم‌چنین سوسیال دموکراسی در دوران مشروطه و سپس حزب کمونیست ایران، همواره بزرگ‌ترین چالش در به وجود آمدن آگاهی طبقاتی و مبارزاتی در بین کارگران، وجود حکومت‌های مستبد و سرکوب‌گر بوده است. شاید سرمایه‌داری و بورژوازی در ایران با تاخیر آغاز شد، اما وجود دولت‌های سرکوب‌گر و مستبد بسیار نقشی اساسی‌تر در سرکوب و استثمار کارگران ایفا می‌کرده است. وجه مشترک حکومت‌ها سرکوب شدید مبارزات کارگری و مطالبه‌گری آن‌ها بوده است. به همین جهت، شدیدترین سرکوب‌ها متوجه حرکت‌های کارگری بوده است. در ایران برای عدم احقاق حق اولیه کارگران خیلی نیازی به سرمایه‌دار بی‌رحم نبود بلکه خود حکومت‌ها بیش‌ترین کار ویژه را برای این امر برعهده داشته‌اند.

هرچند در دوره‌های کوتاهی مانند ۱۳۲۰ تا ۱۳۲۶ کارگران به نسبت آزادی‌هایی پیدا کردند و در همین دوره‌ها بود که بزرگ‌ترین اجتماعات کارگری در تاریخ ایران شکل گرفت، اما به‌طور کل منطق همواره یک چیز بود؛ سرکوب بدون قید و شرط حرکت‌های کارگری. دوره‌هایی هم در تاریخ ایران بوده است که دولت‌ها سیاست هویج و چماق را در پیش گرفته‌اند که این موضوع در نوبه خود اهمیت بالایی در مبارزات کارگری داشته است که باید در جای خود بررسی شود.

ابتدا کودتای رضا خان و سپس کودتای پسرش ۲۸ مرداد سال ۱۳۳۲ با سازمان‌دهی و حمایت و انگلستان و آمریکا، اتفاقات مهمی در حیات کارگری ایران بودند. تا پیش از این تاریخ کارگران ایران به واسطه پشت سر نهادن چند سال آزادی نسبی، یعنی سال‌های ۱۳۳۲ -۱۳۲۰، از آگاهی سیاسی اجتماعی و سیاسی بالایی برخوردار شده بودند. حتی کارگران نفت نقش به‌سزایی در حمایت از ملی شدن نفت ایران و حادثه ۳۰ تیر سال ۱۳۳۱ بازی کرده بودند. اما با وقوع کودتای ۲۸ مرداد و



بهرام رحمانی

پیشاپیش فرارسیدن اول ماه مه، روز جهانی کارگر را به همه کارگران ایران و جهان و همه برابری‌طلبان و عدالت‌خواهان تبریک می‌گویم!

در طول تاریخ مدرن سرمایه‌داری و صنعتی، طبقه کارگر پیشگام انقلابات و تحولات مهم در جوامع مختلف بود و هنوز هم است. تعریف مارکسیستی طبقه کارگر؛ شامل همه آن‌هایی است که نیروی کارشان را می‌فروشند تا زندگی کنند. زمانی که نام طبقه کارگر به میان می‌آید، برای بیش‌تر افراد، بیش از هر چیز یادآور مارکسیسم و پدیده انقلاب است. کارل مارکس نقش به‌سزایی در ایجاد این تصور از طبقه کارگر داشت. وی طبقه کارگر را یک طبقه انقلابی معرفی کرد که قادر است دیگر طبقات را نمایندگی کند.

دویست سال پس از تولد کارل مارکس و ۱۷۰ سال پس از انتشار مشهورترین اثر او، مانیفست کمونیست، ربط مسقیمی به امروز دارد.

بدون نیروی کار کارگران (یدی و فکری)، سرمایه‌داران قادر به کسب سود نیستند و موتور نظام سرمایه‌داری از کار می‌افتد. از میان تمام امکاناتی که سرمایه‌دار می‌تواند برای راه‌اندازی کسب و کارش بخرد، تنها نیروی کار است که بر ارزش سرمایه‌اش می‌افزاید؛ یعنی نیروی کا به حدی تولید می‌کند که ارزش آن بیش از هزینه اصلی سازه‌هایی است که برای تولید تمام شده صرف شد. زمان، فکر، و انرژی تنها سرچشمه سود نهایی و یا ارزش افزوده در اقتصاد سرمایه‌داری هستند که کارگران در فرایند تولید به کار می‌گیرند، اما کسی که مالک محصول است تنها اندکی از این تلاش‌های کارگران را به‌عنوان مزد می‌پردازند. به بیان دیگر، این‌که تمام سودهای حاصله نتیجه کار کارگرانی است که مزدی برای آن پرداخت نمی‌شود. این کشف انقلابی کارل مارکس راه را برای توضیح جامع شیوه‌های کار نظام سرمایه‌داری و راه شناسایی چگونگی استثمار را هموار کرد. این بنیان درک سوسیالیستی از اقتصادها و جوامع امروز جهان را شکل می‌دهد؛ اختلاف بنیادین جهان مالکان سرمایه و استثمارگر و تهیدستان و استثمارشوندگان است.

در تاریخ ایران طبقه کارگر صنعتی، طبقه‌ای نوپا محسوب می‌شود. طبقه‌ای که همواره مورد توجه گرایشات، احزاب و جریان‌های مختلف بوده است. از زمان شکل‌گیری اولین هسته‌های سوسیال دموکراسی در ایران، همواره دغدغه کارگران مورد توجه روشنفکران انقلابی بوده است. از همان ابتدا تا شکل‌گیری احزاب مارکسیست گسترده‌تری مانند حزب کمونیست ایران مهم‌ترین توقع و دغدغه آن‌ها از طبقه کارگر نمایندگی و رهبری انقلاب بوده است، اما واقعیت تاریخی این است که هنوز این طبقه با تمام تلاش‌ها و جانفشانی‌ها به اهداف خود دست نیافته است. دیکتاتوری و اختناق و ادع آزادی بیان و اندیشه و احزاب از عوالم مهم آن بوده است نه همه عوامل آن. به‌ویژه در سازمان‌یابی و مبارزه طبقه کارگر آگاهی شرط مهمی است.

کارگران، آن‌هایی هستند که داری هیچ دارایی، ابزار، مواد، یا پول لازم برای کسب این موارد نیستند، که همگی برای

آدرس سایت‌های حزبی:	شماره تماس کمیته تشکیلات شهرهای	کمیته تکش کومه‌له:	تلویزیون ماهواره‌ای کومه‌له و حزب کمونیست ایران:
سایت حزب کمونیست ایران	حزب کمونیست ایران:	۰۰۳۱۶۵۷۲۵۶۶۵۱	www.tvkomala.com
www.cpiran.net	۰۰۴۶۷۰۴۵۱۰۰۹	۰۰۴۶۷۰۷۹۶۷۴۳۲	CPI
سایت کومه‌له	۰۰۴۹۱۵۲۱۸۷۰۰۳۶۴	۰۰۴۷۹۹۴۰۳۶۰۹	Komala
www.komalah.org	شماره تماس کمیته خارج از کشور	۰۰۴۷۴۶۵۸۳۱۵۱	ماهوره: Yahsat 1A (52.5E)
سایت پیام	حزب کمونیست ایران:	۰۰۴۵۵۳۷۸۵۳۵۴	فرکانس: 12149
www.payaam.net	۰۰۴۶۸۵۱۹۷۰۳۲۲	نمایندگی کومه‌له در خارج از کشور:	Symbol Rate: 27500
سایت یاد جانباختگان	ایمیل دبیرخانه حزب کمونیست ایران:	۰۰۴۶۸۵۱۹۷۰۳۲۲	FEC: Auto
www.yadihawrean.com	api@cpiran.net		

آموزش و پرورش عمومی تحت سیطره اختاپوسی رژیم جمهوری اسلامی



هیوا مجید زاده

امروزه در دنیای مدرن، مساله آموزش و پرورش عمومی یکی از اساسی ترین مسائلی است که هر کشور و حکومت باید به آن بپردازد و یکی از شاخص های اصلی برای سنجش توسعه انسانی و اجتماعی محسوب میشود. هرگونه تغییر و تحول سازنده ای بدون توجه کافی به پرورش نیروی انسانی کارآمد انجام شدنی نیست و نیروی انسانی کارآمد در سایه فرصت های برابر آموزشی به بار خواهد نشست. میزان بالای خدمات در حوزه آموزش و در دسترس قرار دادن آن برای عامه اقشار جامعه از سوی حکومت ها در همه جوامع یک امر بدیهی شمرده میشود. و در واقع کمیت بالا و کیفیت گسترده آموزش عمومی در جوامع یکی از ضروریات گام برداشتن به سوی توسعه پایدار است. همچنین آموزش عمومی، کودکان و نوجوانان و جوانان را برای برعهده گرفتن مسئولیت های اجتماعی در جامعه یشان آماده می کند و به آنها اعتماد به نفس برای ادامه زندگی اجتماعی میدهد.

اما آنچه امروز در جامعه ایران تحت حاکمیت جمهوری اسلامی می گذرد، اینست که آموزش و پرورش در ایران با چالش‌های زیادی از جمله بازماندگی از تحصیل، ترک تحصیل، افت کیفیت تحصیلی دانش‌آموزان و... مواجه است. رژیمی که از ابتدای روی کار آمدنش شعار آب و برق و مسکن مجانی رو به مردم سر داد، هیچ که چنین وعده هایی را یک سر سوزن به وادی عمل نبرد، بلکه روز به روز هر چه بیشتر خیل عظیمی از فرزندان ایران را از آموزش و پرورش عمومی محروم کرد و در کنار اینکه کمیت آموزش را کاهش داد، تحت حاکمیت ایدئولوژیک استبدای اش هر چه بیشتر ازکیفیت آموزش هم کم کرده است. مهندسی حاکمیتی آموزش و پرورش تحت اقتصاد نئولیبرالیسیتی رژیم اسلامی روز به روز به نفع مافیای آموزش پولی تر شده است و فرزندان بیشتری را ازاقشار ضعیف و زیر خط فقر از تحصیل بازداشته است.

اخیرا روزنامه هم میهن در داخل ایران گزارشی را منتشر کرده مبنی بر اینکه نمایندگان مجلس رژیم در حال بررسی طرحی هستند با عنوان "طرح تقویت نظام آموزش‌وپرورش". به روایت همین روزنامه این طرح چیزی نیست جز بردن آموزش و پروش به صورت جدی تر و رسمی تر به سمت تبدیل شدن آن به یک بنگاه اقتصادی و چرتکه انداختن مسئولین رژیم در این حوزه. ازجمله شاخص هایی که در این طرح مطرح شده است، رتبه بندی مدارس بر اساس میزان درآمد آفرینی آنها، و این یعنی منابع عمومی هم بیشتر به نفع مدارس پولی سازی شده توزیع می شود و به طور آشکار کالایی سازی آموزش عمومی، که ارائه رایگان آن از وظایف بدیهی دولتهای امروزی است، در این طرح اجرا میشود. منافع جامعه و فرزندان طبقه زحمتکش و کارگر بیش از پیش زیر چکمه سرمایه داران غارتگر له و پایمال میشود. این طرح حتی قانون اساسی که در خود رژیم هم تصویب شده زیرپا می گذارد، و آن اصل ۳۰ قانون اساسی است که بر اساس آن آموزش در کشور باید رایگان باشد. آنچه هویداست رژیم اسلامی به درازای حیات استبدادی خود روز به روز شانه از ارائه خدمات اجتماعی خالی کرده است و این طرح هم گامی در همان راستا است.

همین الان هم، طبق منابع داخلی-اداری خود رژیم، منجمله مرکز آمار ایران، ۹۳۰ هزار نفر در سال تحصیلی جاری از تحصیل بازمانده اند، که این رقم برای آموزش عمومی کشور فاجعه است، و تا الان باید داد دست اندکاران حوزه فرهنگ و آموزش ایران را در می آورد. جدای از اینکه این سطح از

جمهوری اسلامی دشمن مردم

تا این رژیم هست جنایاتی از نوع آنچه که در بندر رجائی رویداد، ادامه خواهد داشت

شمار قربانیان انفجار مهیب بندر عباس رو به افزایش است. مطابق جدیدترین گزارشها تا کنون اسامی ۷۶ نفر از جانب‌اختگان این انفجار منتشر شده است. منابع دولتی از زخمی شدن بیش از یک هزار نفر سخن می گویند که حال شماری از آنها وخیم گزارش شده است. مطابق معمول تا کنون از جانب جمهوری اسلامی اطلاعات شفافی در مورد علت وقوع این انفجار منتشر نشده است. اما اطلاعات انتشار یافته غیر رسمی منتشر شده می گوید «آتش‌سوزی اولیه و انفجار متعاقب آن نتیجه جابجایی نادرست محموله سوخت جامد بوده است که برای استفاده در موشک‌های بالستیک ایران به کار می رود».
این محموله در ماه مارس در پوشش مواد دیگر وارد از کشور چین وارد این بندر شده بود. شواهد نشان می دهد از آنجا که می خواسته اند محتویات آن مخفی بماند، با تعجیل و به نحوی غیر ایمن و غیر استاندارد انبار شده بود.

بیش از ۷۰۰۰ نفر کارگر زن و مرد در این بندرگاه کار می کنند و ۹۰ درصد قربانیان انفجار کارگران شرکت‌های صنایع دریایی، انبارداری و تخلیه؛ بودند. یکی از کارگرانی که در این مجتمع کار می کند به خبرنگاران گفته است: «اینجا کارگر هست که حتی کفش و کلاه ایمنی ندارد؛ فضای کار نایمن است؛ خب همه اینها دست به دست هم می‌دهد و یک روز فاجعه به بار می‌آورد. آدم متاثر می‌شود چرا چنین اتفاقاتی رخ می‌دهد؛ چرا کارگرانی که درگیر درآوردن یک لقمه نان هستند، اینطور قربانی می‌شوند، مگر چه گناهی کرده‌اند؟»

این اولین بار نیست که یک حادثه بر اثر سهل‌انگاری دولتی‌ها، سرمایه‌داران و رانتخواران، چنین بلائی بر سر کارگران می آورد. در پنج سال گذشته، حداقل چندین حادثه در ابعاد بزرگ رویداده اند که نقش دولت و دستگاههای فاسد در آنها آشکار بوده در همه آنها کارگران قربانی‌های اصلی بوده اند.

برای نمونه، ظهر روز دوشنبه ۲ خرداد ۱۴۰۱ برج متروپل که با رانتخواری و پارتی بازی بالا رفته بود، در مرکز آبادان فرو ریخت. این حادثه ۴۳ نفر جان باختند و ۳۷ نفر مصدوم شدند که تقریبا همه آنها آن‌ها کارگران ساختمانی بودند. سرنوشت رسیدگی به این پرونده هنوز در پرده ابهام باقی مانده است و این تنها خانواده های کارگران بودند که به سوگ عزیزانشان نشستند.

۳۱ شهریور ۱۴۰۳ انتشار گاز متان در معدنجوی طبس، جان ۵۳ کارگر معدنچی را گرفت و تعدادی را با قطع نخاع و مصدومیت همیشگی خانه‌نشین کرد؛ گرچه شاهدان عینی گفتند کارگران بوی گاز را شنیده بودند و می‌ترسیدند اما مجبورشان کردند پا به تونل بگذارند و علیرغم اینکه به وضوح تخلف صورت گرفته بود و معدن یک تهویه و گازسنج سالم نداشت، پای کارفرما و مالکان هرگز به زندان و حبس باز نشد؛ چند روز بعد، برداشت ذغال‌سنگ دوباره آغاز شد و قطار سودآوری به راه افتاد.

بدون شک سرنوشت تحقیق در مورد انفجار بندر رجایی هم از نوع موارد گذشته خواهد بود. بند رجایی مجهزترین بندر اقتصادی و تجاری ایران به‌شمار می‌رود، این بندر، واقع در نزدیکی تنگه استراتژیک هرمز، بزرگ‌ترین مرکز کانتینری ایران است. بخش مهمی از واردات و صادرات کانتینری ایران و نیز کالاهائی که به روسیه، افغانستان و کشورهای آسیای مرکزی ترانزیت می شوند، از طریق این بندر صورت می گیرد.

علت این حادثه هر چه باشد، ناکارآمدی دولت و دستگاههای عریض و طویل و فاسد آن علت اصلی وقوع اینگونه حوادث دردناک است. رژیم نه تنها در مورد این رویداد متهم ردیف اول است، بلکه در همان حال با پنهانکاری و عدم اطلاع رسانی شفاف مانع آشکار شدن دلایل واقعی این گونه رویدادها می شود . هیچ درس گرفته نمی شود، هیچ تجربه ای منتقل نمی شود، هیچ خاطی و مجرمی مجازات نمی شود بدین ترتیب عملا راه را برای وقوع رویدادهای مشابه باز نگهمیدارند. در واقع این رویداد نشانه دیگری از پوسیدگی نظامی است که از هر لحاظ به بن بست رسیده است.

اکنون بدنبال این حادثه روشن شده است که بندری با این درجه از اهمیت اقتصادی با سطح پائینی از مدیریت و سازماندهی اداره شده است. نکات اولیه ایمنی در مورد کالاهای قابل اشتعال رعایت نشده است. آنچه که مایه تاسف است جانهای بیگناهی است که این چنین قربانی بی کفایتی رژیمی می شوند که فساد سرتاپای آثرا فراگرفته است. ما با بازماندگان این فاجعه دردناک عمیقا احساس همدردی می کنیم و به کارگران و مردم رنجدیده و محروم که قربانیان اصلی اینگونه فجایع هستند تسلیت می گوئیم. تا این رژیم باقی است هر روز باید در انتظار فاجعه ای از این نوع در این یا آن گوشه ایران باشیم.

هنر و ادبیات

در بخش هنر و ادبیات این شماره جهان امروز، ترجمه دو شعر از شاعر فنلاندی "آرفو تورتیاینن" (۱۹۸۰-۱۹۰۴) را برای شما خوانندگان گرامی برگزیده‌ایم. آرفو تورتیاینن شاعری کمونیست بود که اشعارش حاوی مضامین سیاسی و اجتماعی است. شعر اول با نام "پرچم سرخ" شعری است که آن را در سالهای پایانی زندگی خود به قلم کشیده و نشان از وفاداری آرفو به آرمانهایش تا پایان زندگی‌اش بود. شعر پرچم سرخ گرامی داشت گارد سرخ فنلاند است که در سال ۱۹۱۸ پس از آنکه بورژوازی فنلاند هیچ حقی برای طبقه کارگر قائل نبود با وجود آن که اکثریت کرسیهای پارلمان هم در اختیار حزب سوسیال دمکرات بود، در بیست و هفتم ماه ژانویه ۱۹۱۸ پرچم سرخ و فانوسی سرخ را بر فراز برج خانه کارگر هلسینکی برافراشتند و اعلام انقلاب کردند. گارد سرخ که بیشتر آنها کارگران بودند از سوی قوای سفید که متشکل از ارتش فنلاند و ارتش مجهز و پرتجربه آلمان که از جنگ جهانی اول تازه برگشته بودند، مورد یورش قرار گرفتند. شعر دوم از کتاب "در دایره سنگ و آهن" انتخاب شده که این کتاب مجموعه شعرهایی است که آرفو تورتیاینن در زندان نگاشته است. لازم به ذکر است که شاعر مانند صدها فعال و نویسنده اجتماعی چپگرا که حاضر به شرکت در جنگ نبودند سال ۱۹۴۲ پس از یکسال مخفی شدن دستگیر شد و مدت چهار سال و نیم را در زندان سپری کرد.

.....



پرچم سرخ

قامت افراشتی در جهانی که سهم تو از آن تنها "فقر" بود.
سرت را برداشته و سربلند گفتی:
بس است و باید فقر را زدود.
زجا برخاسته و ره پیمودی
چون سهم تو گرسنگی بود از داس و زمین و کار
چون سهم تو از کارخانه، عرقِ تن بود و رنج بیشمار
رژه میرفتی در خیابان و کوی و برزن
میخواندی سرودی را که میگفت:
ای بردگان کار!... ای داغ لعنت خورده!
برخیزید برعلیه این شب ای تودگان ستم زده.
ره می پیمودی و می خواندی
سرودت را
زنگ عصیانی بود به هرجا و مژده میداد ورودت را
با هر کلمه از این سرود، هزاران کارگر
شدند درصاف و ببریدند زنجیر
و تکرار هرباره کلمه‌ای از این سرود
بر شمار رزم‌آوران افزود و افزود
فریادها بود که بر دهان‌ها جاری
از برای نان، برای کار و آزادی
واز برای داشتن یک زندگی
نه مانند کهن، بلکه به سبکی انسانی

وباز در این سرود بود که می پیچید
پژواک فریادها، که باهم می آویخت
برخیز... به مانند شلیک توپهای جنگی
برق و آذرخشی داشت، سهمگین
ای داغ لعنت خورده!.. ای بردگان کار!
غُرشی داشت، چون رعد در آسمان
از این شب ستم.. صدایی چون
چکاچک شمشیرها در میدان جنگ

برخیزید، برخیزید.. پیام تو بود که پیچید به همه جا
و خون توو فقیران هم سرنوشت جاری در درفش گست به
هرجا
عرقِ کار توسست قرمز چون خون
می درخشد براین پرچم و می دمد بر آن جان را
قدرت توسست پُراز توان و نیرو
که جاریست هم آسا، چون رودی، خروشان
هنوز هم پرچمات در دستانیست
که آنرا بلند بگرفته‌اند در اهتزاز
و معنا بخشیده آن نشان را، برضدِ حاکمان سود و آژ
افتخار فناپذیرت، در سرخی تابان پرچم
که با باد رزم می رقصد و می سراپد ترانه و نوا
پرچمی که در در سالهای آغازین این قرن
از تو مانده به جا برای دستان ما
تا رهرو این نبرد باشیم تا پایان، که از شما
این مانده به جا برای ما، رفیقان شما.
(۱۹۷۴)

.....
" دیوار سنگی !... نه "
نه دیوار سنگی زندان تواند
روشنایی قلبم را از من گیرد.
نه میله‌های آهنی زندان تواند
بال‌های اندیشه‌ام را، غل‌وزنجیر بندد.
هان ای قلب و دست‌های من
آزاد هستید
چون عقابها
بلند و پرخروش... محکم و رسا
میان کوه‌ها و آسمان
فریاد کشید.
(۱۹۴۵)



SCAN ME



SCAN ME

شماره تماس‌های کمیته تشکیلات شهرهای حزب کمونیست ایران:

۰۰۴۶۷۰۴۵۰۱۰۰۹
۰۰۴۹۱۵۲۱۸۷۰۰۳۶۴

[/https://cpiran.net](https://cpiran.net)

ایمیل دبیرخانه حزب کمونیست ایران:

✉ cpi@cpiran.net

برای ارسال مطالب و تماس با جهان امروز از
ایمیل زیر استفاده نمایید:

✉ jahane.emrouz@cpiran.net